

## بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

کلام در تنبیه پنجم در این بود که آیا ملاقی یکی از مشتبهین در اطراف علم اجمالی واجب است، اجتناب از او یا واجب نیست؟ عرض کردیم چهار مرحله بحث اینجا داریم.

مرحله اول این بود که دلیلی بر وجوب اجتناب از ملاقی مشتبه نداریم. این بحث فعلا در مرحله دوم و سوم دیگر پیگیری نمی‌کنیم به علت اینکه برخی از اعلام در این مبحث به مناسبت احکام ارتکاب یکی از مشتبهین و آثار مترتب بر آن را مورد بحث قرار داده‌اند، ما هم این بحث را در مرحله دوم و سوم اشاره می‌کنیم بعد اگر مطلبی بود بحث ملاقی را هم تنظیم می‌کنیم. لذا ابتدائاً عرض می‌کنیم بعضی از محرمات آثار مختلفی دارند، مثلاً شرب خمر حرام است، مشهور می‌گویند حکم وضعی خمر هم نجاست است، شارب الخمر فاسق است، شارب الخمر حد می‌خورد، بیع خمر هم باطل است، این حرام آثاری دارد. حالا بحث این است که آیا همه این آثار بر مشتبه الخمریه هم بار می‌شود یا نه؟ آیا شربش شرعاً حرام است؟ آیا بیعش باطل است؟ آیا برای شرب مشتبه الخمریه او را حد می‌زنند یا نه؟

مشهور قائلند احکام عنوان حرام بر مشتبه بار نمی‌شود وجه آن این است وجوب اجتناب از مشتبهین در اطراف علم اجمالی یک حکم عقلی است، در اطراف شبهه محصوره به حکم عقل از هر طرفی اجتناب لازم است، از باب مقدمه برای اجتناب از حرام، لذا این وجوب مقدمی عقلی آثار شرعی آن عنوان را ندارد. بنابراین اگر کسی یکی از اطراف مشتبه را مرتکب شد، (توجه دارید اگر هر دو طرف را مرتکب شد حرام را مرتکب شده است و جای بحثی نیست) نه حرام شرعی مرتکب شده است تا بگوییم فاسق است، نه حد بر او جاری می‌شود نه به این عنوان می‌شود گفت بیعش باطل است. به خاطر اینکه آن آثار بر عنوان خمر بار شده است، و در جلسات قبل هم گفتیم مشهور نمی‌گویند حکم از خمر منبسط می‌شود به مشتبه الخمریه لذا شارب الخمر فاسق است نه شارب مشتبه الخمر، مگر اینکه کسی ارتکاب یکی از دو مشتبه را تجری بر مولا بداند و در اصول بگوید متجری مستحق عقاب است که اینجا عقاب را می‌تواند بر او ثابت کند. لذا نظر مشهور این است که جریان آثار و احکام خمر بر مشتبه الخمریه دلیل می‌خواهد و چون دلیل خاص نداریم احکام خمر بر مشتبه الخمر بار نمی‌شود.

ما فی الجمله این نگاه را قبول داریم ولی یکی از احکام خمر به خاطر دلیل خاص به نظر ما بر مشتبه الخمریه هم بار می‌شود. **توضیح مطلب:** ما وجوب اجتناب در شبهه قلیله را به حکم روایات خاص دانستیم و الا می‌گفتیم حدیث رفع اطراف علم اجمالی را شامل می‌شود و برای ما جواز ارتکاب می‌آورد. ولی ادله خاص می‌گفت در اطراف علم اجمالی باید احتیاط کنی، این ادله که ادله شرعی است به نظر ما مخالفت با این روایات استحقاق عقاب می‌آورد و می‌شود مخالفت با دلیل شرعی. لذا اگر مرتکب یکی از مشتبهین شود خلاف دلیل شرعی عمل کرده است. این تفاوت ما با مشهور تا اینجا.

پس طبق قواعد گفته شد ادله می‌گوید بیع الخمر باطل است نه مشتبه الخمریه. **محقق نائینی** نسبت به بیع مشتبه الخمریه می‌فرمایند با یک نگاه خاص حکم می‌کنیم به بطلان این بیع، هر چند این بحث فقهی است ولی اینجا مناسبت دارد دوره قبل هم متعرض شده‌ایم اینجا هم اشاره می‌کنیم.

خلاصه بیان **محقق نائینی** این است که ایشان می‌فرمایند در بیع مشتبه الخمریه، یکی از اطراف علم اجمالی که مشتبه الخمریه بود فروخت، اینجا اصالة الصحه که جاری نمی‌شود در بیعش و مشکل دارد زیرا اصالة الصحه در مشتبه الف با اصالة الصحه در مشتبه ب تعارض می‌کند و تساقط می‌کنند. نتیجه ما شک داریم آیا بیع واقع بر این مشتبه صحیح بوده است یا نه؟ اصالة الفساد در معاملات می‌گوید این بیع باطل است. پس بیع مشتبه الخمریه از این جهت باطل است. بعد ان قلت را مطرح می‌کنند و پاسخ می‌دهند.

می‌فرمایند ان قلت: اصالة الصحه در هر دو مشتبه جاری نمی‌شود که بگوییم تعارض و تساقط می‌کنند، فرض این است که یکی از مشتبهین را فروخته است آن مشتبه دیگر فروخته نشده که اصالة در آن جاری شود و با اصالة الصحه در بیع این مشتبه تعارض کند، لذا مستشکل می‌گوید اصالة الصحه در همین مشتبهی که فروخته شده است جاری می‌شود.

**محقق نائینی** جواب می‌دهند به مستکشل که شما اصالة الصحة را درست تفسیر نمی‌کنید اگر اصالة الصحة درست تفسیر شود توجه خواهید کرد که در هر دو مشتبه اصالة الصحة جاری می‌شود.

**بیان مطلب:** معنای اصالة الصحة این است آیا من سلطة بر بيع این مشتبه داشته‌ام تا بيع من صحيح است یا نه؟ سلطنت بيع در هر دو مشتبه قابل تطبیق و قابل پیاده شدن است، لذا در هر دو مشتبه شک دارد سلطة بر بيع دارد یا نه؟ اصالة الصحة می‌گوید در هر دو مشتبه سلطة بر بيع آن دارد، تعارض و تساقط می‌کنند. لذا **محقق نائینی** می‌فرماید اصالة الصحة تعارض و تساقط کرد، شک داریم این بيع مشتبه فاسد است یا فاسد نیست اصالة الفساد حاکم است.<sup>۲</sup>

**محقق عراقی** به **محقق نائینی** اشکال می‌کند، ایشان می‌فرمایند یک نکته در کلام شما دچار ایراد است و این ایراد باعث می‌شود که شما باید قائل شوید به صحت این بيع نه فسادش.

خلاصة مطلب **محقق عراقی** این است که به **محقق نائینی** می‌فرمایند تفسیر شما از اصالة الصحة تفسیر درستی نبود. اصالة الصحة به معنای سلطنت بر بيع نیست اینها با یکدیگر مترادف ندارند بلکه رابطه بین این دو رابطه طولی است. اگر کسی سلطنت بر بيع داشت بله از آن جهت بيعش صحيح است. **محقق عراقی** می‌فرماید این دو، دو عنوان هستند، ما قبول می‌کنیم در رابطه با سلطنت بر بيع این اصل در هر دو مشتبه فرض جریان دارد و تساقط هم می‌کنند. اما وقتی که بيع بر یک مشتبه واقع شد شک دارد آیا این بيع صحيح واقع شده است یا غير صحيح واقع شده است؟ آن اصل سببی به تعارض تساقط کرد ولی نسبت به بيع مسببی آیا بيع بر این مشتبه نافذ است یا نه؟ این اصل معارض ندارد، فرض این است که یک مشتبه را فروخته است، اصالة الصحة و نفوذ بيع واقع شده نسبت به یک مشتبه موضوع ندارد و نسبت به مشتبه دیگر موضوع دارد. **محقق عراقی** می‌فرماید طبق مبانی خودتان که اصالة الصحة را جاری می‌دانید، باید بگویید اصالة الصحة در مشتبه فروخته شده جاری می‌شود و باید بگویید بيعش صحيح است نباید بگویید بيعش باطل است.

به **نهایة الافکار** ج ۳ ص ۳۵۵ به بعد عبارات **محقق عراقی** را مراجعه کنید<sup>۳</sup> تا به نقد برسیم.

<sup>۲</sup> - ظاهراً مقصود این عبارت است: فوائد الأصول جلد ۴ : صفحه ۶۸: «وتفصيل ذلك : هو أنه لا إشكال في وجوب ترتيب كل ما للمعلوم بالاجمال من الآثار والأحكام الشرعية على كل واحد من الأطراف تحصيلاً للقطع بالامتنال والفراغ عما اشتغلت الذمة به ، فكما لا يجوز شرب كل واحد من الاناثين الذين يعلم بخمرية أحدهما ، كذلك لا يصح بيع كل واحد منهما ، للعلم بعدم السلطنة على بيع أحد الاناثين ، فلا تجري أصالة الصحة في بيع أحدهما ، لأنها معارضة بأصالة الصحة في بيع الآخر ، وبعد سقوط أصالة الصحة من الجانبين لا بد من الحكم بفساد البيع في كل منهما ، لأنه يكفي في الحكم بالفساد عدم ثبوت الصحة.

**فان قلت :** العلم الاجمالي إنما يقتضي وجوب ترتيب الاحكام على كل واحد من الأطراف إذا كان المعلوم بالاجمال تمام الموضوع لها ، وأما إذا كان المعلوم بالاجمال جزء الموضوع لحكم فما لم يثبت الجزء الآخر لا يجب ترتيب ذلك الحكم ، كما هو واضح ، ففي المثال الخمر المعلوم في أحد الاناثين لا يكون تمام الموضوع لفساد البيع ، بل إنما هو جزء الموضوع ، وجزئه الآخر وقوع البيع خارجاً ، إذ الصحة والفساد من الأوصاف والاحكام اللاحقة للبيع بعد فرض صدوره في الخارج ، فلا وجه للحكم بفساد بيع أحد الاناثين ، للشك في وقوعه على الخمر ، فتجري فيه أصالة الصحة ولا يعارضها أصالة الصحة في بيع الآخر ، لأن المفروض عدم وقوع البيع على الطرف الآخر ، فلا موضوع لأصالة الصحة فيه حتى تعارض أصالة الصحة في البيع الواقع على أحد الطرفين فقط.

**قلت :** لا وقع لهذا الاشكال ، فان الخمر المعلوم بالاجمال تمام الموضوع لعدم السلطنة على بيعه ، وعدم السلطنة على البيع يلزم فساده بل هو عينه ، لأنه ليس المجعول الشرعي إلا حكماً واحداً غاية أنه قبل البيع يعبر عنه بعدم السلطنة وبعد البيع يعبر عنه بالفساد ، فعدم السلطنة على البيع عبارة أخرى عن فساده ، كما أن السلطنة على البيع عبارة أخرى عن صحته فأصالة الصحة في بيع كل من الاناثين من أول الامر ولو قبل صدور البيع تجري وتسقط بالمعارضة ، ولا يتوقف جريانها على وقوع البيع خارجاً.

<sup>۳</sup> - نهایة الافکار جلد ۲ : صفحه ۳۵۵: «(الامر الثالث) لا اشكال في ان كل طريق معتبر إذا قام على عنوان ذي أثر يوجب بقیامه عليه بحكم العقل ترتيب كل ما لذلك العنوان من الآثار التكليفية والوضعية عليه من غير فرق بين كون الطريق هو العلم الوجداني أو غيره ومن غير فرق بين كونه تفصيلياً أو اجمالياً، فمع العلم الاجمالي بعنوان ذي أثر كالعلم بخمرية أحد المايعين يترتب على عنوان المعلوم جميع ما له من الآثار التكليفية والوضعية كحرمة شربه ونجاسة ملاقيه وفساد بيعه ووجوب الحد على شربه، ولكن ترتب الآثار المزبورة إنما يكون على نفس عنوان المعلوم بالاجمال لا على كل واحد من المشتبهين... (وتوهم) معارضتها بأصالة عدم السلطنة على بيع الآخر كما عن بعض، بدعوى ان الصحة والفساد عبارة أخرى عن السلطنة وعدمها غير انه قبل البيع يعبر عنهما بالسلطنة على البيع وعدم السلطنة عليه وبعد البيع يعبر بالصحة والفساد فعبر معارضة أصالة السلطنة وسقوطها بمقتضى العلم الاجمالي من الطرفين لا يبقى مجال الحكم بالصحة فيه (مدفوع) بمنع رجوع الفساد إلى السلطنة المسلوقة بل إنما هو مسبب عنها، فانه كما ان القدرة وهي السلطنة على البيع تكون متقدمة على البيع لكونها سبب ايجاده، كذلك في طرف النقيض يكون عدم السلطنة مقدماً رتبة على عدم البيع، ومعه كيف يمكن دعوى عينية كل من الصحة والفساد مع السلطنة ونقيضها (وعليه) لا محيص من اعتبار الصحة والفساد في ظرف وقوع البيع خارجاً كما اعترف به القائل المزبور في العلم الاجمالي بين امرين تدرجيين...»